

تکمله

فتح الملهم

شرح صحیح مسلم

(جلد دوازدہم)

تألیف

علامہ مفتی محمد تقی عثمانی
شیخ الحدیث و مفتی اعظم دارالعلوم کراچی

مترجم: جواد عصاررودی

مدرس موزہ علمیہ اماناف قواف

دانشجوی دکتری ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

بر اساس منابع اہل سنت

سرشناسه	: عثمانی، محمد تقی، - ۱۹۴۳ م.
عنوان قراردادی	: Usmani, Muhammad Taqi
عنوان و نام پدید آور	: الجامع الصحيح. فارسی - عربی. شرح
مشخصات نشر	: تکمله فتح الملهم شرح صحيح مسلم امام مسلم بن حجاج قشیری (رحمه الله)/مؤلف محمد تقی عثمانی؛ مترجم جواد عصارودی.
مشخصات ظاهری	: تربت جام: شیخ الاسلام احمد جام، ۱۳۹۷
شابک	: ج. دوازدهم.
وضعیت فهرست نویسی	: دوره ۷-۱۶: ۲۴۷-۹۶۴-۹۷۸؛ ج ۱۲: ۰۸۶-۲۴۷-۹۶۴-۹۷۸
یادداشت	: فیفا
موضوع	: فارسی-عربی.
موضوع	: مسلم بن حجاج، ۲۰۶ - ۲۶۱ ق. . الجامع الصحيح -- نقد و تفسیر
شناسه افزوده	: احادیث اهل سنت -- قرن ۳ ق.
شناسه افزوده	: عصارودی، جواد، مترجم
رده بندی کنگره	: مسلم بن حجاج - ۲۰۶-۲۶۱ ق. . الجامع الصحيح . شرح
رده بندی دیویی	: ۱۱۲۱B. ۱۱-۲۰۴۲۲۶ ج ۵/م
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۱۰۱۹۷
	: ۱۳۴۰۶۹۱



انتشارات شیخ الاسلام احمد جام

تکمله فتح الملهم شرح صحيح مسلم (جلد دوازدهم)

مؤلف: علامه مفتی محمد تقی عثمانی

مترجم: جواد عصارودی

ناشر: شیخ الاسلام احمد جام

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۷

شابک: ۰۸۶-۲۴۷-۹۶۴-۹۷۸

قیمت: ۵۵۰۰۰ تومان

حق چاپ و نشر محفوظ و مخصوص ناشر است.

تلفن مرکز پخش: ۵۲۵۲۴۴۷۱ - ۵۲۵۲۵۲۳۸ - ۰۵۱

فهرست

موضوع

صفحه

مقدمه مترجم	۱۱
کتاب در مورد طعام‌ها	۱۳
باب آداب خوردن و نوشیدن و احکام آن‌ها	۱۳
باب در مورد کراهیت ایستاده نوشیدن	۲۲
باب در مورد نوشیدن از آب زمزم در حالت ایستاده	۲۸
باب کراهیت ناس کشیدن در داخل ظرف و مستحب بودن سه بار نفس کشیدن خارج از ظرف	۳۰
باب استحباب در دادن آب و شیر و امثال آن‌ها از سمت راست شخص شروع کننده	۳۱
باب استحباب لبیدن انگشتان در ظرف غذا و خوردن لقمه‌های افتاده بر روی سفره و	۳۶
باب عملکرد مهمان وقتی بدون دعوت میزبان، همراه او شود	۴۳
باب جواز با خود بردن دیگری به خانه کسی که از رضایت وی اطمینان دارد	۴۷
باب خوردن آبگوشت کدو و اینکه عمل سینه یکدیگر را اکرام کنند	۶۱
باب استحباب بیرون آوردن هسته‌های خرما و دعای میهمان برای میزبان و	۶۳
باب استحباب تواضع خورنده و نحوه نشستنش	۶۵
باب نهی خورنده با گروه از اینکه دو خرما یا در لقمه را با یک‌بارہ بخورد	۶۸
باب در ذخیره کردن خرما و امثال آن از جمله قوت خورنده	۷۰
باب فضیلت خرمای مدینه	۷۱
باب فضیلت قارچ و مداوای چشم با آن	۷۳
باب فضیلت گیاه کباث	۷۸
باب در فضیلت سرکه و استفاده از آن به‌عنوان نان خورشت	۸۰
از سیر استفاده شود و مناسب است برای کسی که با دیگران صحبت می‌کند از خوردن	۸۳
باب اکرام میهمان و فضیلت ایثار به وی	۸۶
باب فضیلت برابری در غذای اندک	۱۰۲
باب مؤمن از یک معده و کافر در هفت معده می‌خورد	۱۰۴
باب غذا را عیب نگیرد	۱۰۹
کتاب لباس و زینت	۱۱۳

- باب تحریم استفاده از ظروف طلا و نقره برای پوشیدن مردان و زنان و سایر استعمالها ۱۱۶
- باب تحریم استفاده از ظروف طلا و نقره برای مردان و زنان ۱۱۹
- باب مباح بودن پوشیدن ابریشم برای مردانی که حساسیت پوستی و امثال آن دارند ۱۴۲
- باب نهی از پوشش مردان، لباسی را که با رنگ زرد عصفور رنگ شده است ۱۴۴
- باب برتری لباس برد یمانی ۱۴۶
- باب تواضع در لباس و بسنده کردن به لباس های کلفت، و لباس و فرش اندک ۱۴۷
- جواز استفاده از پارچه های پشمی ۱۴۹
- باب کراهیت استفاده از مازاد فرش و لباس ۱۵۰
- باب تحریم بلند کردن لباس از روی تکبر و بیان حد بلندی لباس و آنچه مستحب است ۱۵۲
- باب تحریم تنگ راه رفتن و به لباس خود نازیدن ۱۵۹
- باب تحریم انگشتری طلا بر مردان و نسخ آنچه که مباح بوده است در ابتدای اسلام ۱۶۱
- باب پوشیدن انگشتری نقره بر رسول خدا ﷺ با نقشه محمد رسول الله ۱۶۴
- باب در مورد استفاده رسول خدا ﷺ از انگشتر وقت نوشتن نامه به پادشاهان ۱۶۹
- باب انتخاب کردن انگشتر ۱۷۰
- باب در مورد انگشتری نقره و نگین حبشی ۱۷۲
- باب در مورد استفاده از انگشتر در انگشت کوچک ۱۷۳
- باب نهی استفاده از انگشتر در انگشت وسطی و انگشتی که به آن متصل است ۱۷۴
- باب استحباب پوشیدن کفش و آنچه در معنای آن است ۱۷۵
- باب استحباب پوشیدن کفش راست اول و در آوردن کفش چپ اول ۱۷۶
- باب نهی از برخورد پیچیدن یک پارچه و یا احتبانی در یک پارچه ۱۷۸
- باب در منع بر پشت خوابیدن و گذاشتن یک پا بر دیگری ۱۸۰
- باب در مباح بودن بر پشت خوابیدن و گذاشتن یکی از پاها بر دیگری ۱۸۱
- باب نهی مرد از استفاده رنگ زعفرانی ۱۸۲
- باب استحباب خضاب کردن موی سفید با زردی یا سرخی و تحریم آن با سیاهی ۱۸۳
- باب در مخالفت یهود در رنگ کردن ۱۸۷
- باب تحریم تصویر کشیدن از حیوان و تحریم هر نوع تصویری، ۱۸۸
- مسأله ی تصویر در اسلام ۱۹۲
- حکم عکس (تصویر فتوگرافی) ۲۰۰
- عکس گرفتن در حالت ضرورت ۲۰۲

۰۲	 تلویزیون
۱۹	 باب کراهیت سگ و زنگ در سفر
۲۱	 باب کراهیت قلاده کردن بر گردن شتر با زه کمان
۲۳	 باب نهی از زدن بر صورت حیوان و علامت گذاری در آن
۲۵	 باب جواز علامت گذاشتن بر حیوان غیر انسان در سایر اعضای بدن
۲۸	 باب کراهت تراشیدن قسمتی از موهای کودک
۳۰	 باب نهی از نشستن در مسیر راه دیگران و رعایت حقوق دیگران در مسیر راهشان
۳۳	 باب تحریم تغییر دادن خلقت الهی با انجام افزودن بر موی سر و خالکوبی کردن
۴۴	 باب در مورد زنان بد حجاب نافرمان و متمایل به گناه و مبلغ فحشا
۴۶	 باب نهی از زروید در لباس و امثال آن و اشباع به چیزی که داده نشده است
۴۹	 کتاب ادب
۴۹	 باب نهی از کنیه ابی فاسم بیان استحباب گذاشتن نام‌ها
۵۷	 باب کراهیت نام گذاردن به اسم‌های قبیح و به نافع و امثال آن
۶۰	 باب مستحب بودن تغییر نام قبیح به نام نیک و تغییر اسم بره به زینب و جویریة و امثال آن
۶۲	 باب تحریم نام گذاری به ملک از ملائکه و ملک الملوک
۶۴	 باب مستحب بودن شیرین کردن کام کسی که در وقت تولدش و...
۷۵	 باب جواز گفتن به غیر از پسر خود ای پسر و استحباب به لطف و شفقت با کودکان
۷۶	 باب اجازه گرفتن
۸۴	 باب کراهیت قول اجازه گیرنده من وقتی که از او پرسیده شد کیستی؟
۸۶	 باب تحریم نگاه کردن در خانه دیگری
۸۹	 باب نگاه ناگهانی
۹۱	 کتاب مسائل سلام
۹۱	 باب سواره بر پیاده و تعداد اندک بر تعداد زیاد سلام کنند.
۹۳	 باب از جمله وظایف نشستن در مسیر پاسخ به سلام است
۹۴	 باب حق مسلمان در برابر مسلمان پاسخ دادن سلام اوست
۱۰۰	 باب نهی از شروع کردن سلام با اهل کتاب و چگونگی پاسخ دادن به آنان
۱۰۳	 حکم دشنام به رسول خدا ﷺ - العیاذ بالله -
۱۰۸	 باب استحباب سلام کردن بر کودکان
۱۰۹	 باب جواز قرار دادن اجازه به برداشتن پرده یا امثال آن در رفت و آمدها

- باب مباح بودن بیرون رفتن زنان برای رفع حاجت انسانی ۳۱۰
- مسأله حجاب زن و حدود آن: ۳۱۳
- مذهب مالکیه: ۳۲۲
- مذهب شافعیه: ۳۲۲
- مذهب حنبلی ها: ۳۲۳
- باب تحریم تنها بودن با زن بیگانه و نزد وی رفتن ۳۲۵
- باب مستحب است تا همسر خود را معرفی کند وقتی کسی او را با همسرش تنها بیند ۳۳۱
- باب کسی که به مجلسی وارد شود در جای خالی بنشیند و گرنه پشت جمعیت بنشیند ۳۳۴
- باب تحریم حرکت دادن انسان از جایی که زودتر در آنجا رسیده است. ۳۳۶
- باب، وقتی که شخصی از جای خود برخاست سپس باز گشت او محق تر به محل خویش است ۳۳۹
- باب منع ختنی از وارد شدن بر زنان بیگانه ۳۴۰
- باب جواز پشت سر سوار کردن زن بیگانه وقتی که خسته شده در راه ۳۴۳
- باب تحریم درگوشی صحبت کردن با غیر به جز نفر سوم بدون رضایت وی ۳۴۷
- کتاب در مورد طب** ۳۵۱
- موقعیت طب نبوی در شریعت ۳۵۲
- باب طب و مرض و دعا ۳۵۴
- مسائل مربوط به جادو ۳۶۲
- باب سم ۳۷۴
- باب مستحب بودن رقیه برای مریض ۳۷۸
- باب رقیه کردن مریض با تعویذ و دم کردن ۳۸۱
- باب استحباب دعا و ورد، نسبت به چشم و دانه و حیوان گزنده و چشم شور ۳۸۵
- باب، ایرادی به دعا و وردی که در آن شرک نباشد نیست ۳۹۲
- باب جواز گرفتن مزد بر ورد قرآنی و اذکار ۳۹۳
- مسأله مزد گرفتن در مقابل تعلیم قرآن و دعای با آن ۳۹۶
- باب استحباب گذاشتن دست خود بر محل درد به همراه دعا ۴۰۰
- باب پناه جستن به خدا از شر وسوسه های شیطان در نماز ۴۰۱
- باب برای هر بیماری دوائی است و مستحب است که شخص از مداوا کار گیرد. ۴۰۲
- حقیقت کی (سوزاندن و حکم آن) ۴۰۷
- باب کراهیت مداوا کردن با ریختن دارو در کام مریض ۴۱۸

۴۲۰	باب مداوا با عود هندی
۴۲۳	مداوا با سیاه‌دانه
۴۲۶	باب، تلبینه آرامش بخش قلب مریض است
۴۲۸	باب مداوا با نوشیدن عسل
۴۳۱	باب طاعون و بدفالی و کهانت و امثال آن
۴۴۵	باب، بیماری مسری، بدفالی، کرم سر مقتول، مار شکم بیمار، سقوط ستارگان و غول و امثالهم
۴۴۵	مسأله سرایت بیماری‌ها:
۴۵۵	باب بدفالی و نیک‌فالی و آنچه را که شوم پندارند
۴۶۲	باب تحریم کهانت و رفتن به نزد کاهنان
۴۶۹	باب دوری از مسجون و امثال آن
۴۷۱	کتاب در مورد حیوانات
۴۷۱	باب کشتن مارها و امثال آن
۴۸۱	مستحب بودن کشتن مارمویک
۴۸۵	باب نهی از کشتار مورچه
۴۸۸	باب تحریم کشتار گربه
۴۹۱	کتاب الفاظ مؤدبانه و غیر از آن
۴۹۱	باب نهی از دشنام دادن دهر
۴۹۴	باب کراهیت نامگذاری انگور به کرم
۴۹۶	باب حکم اطلاق لفظ عبد و امه و مولا و سید
۵۰۰	باب کراهیت گفته انسان: نفس من خبیث است
۵۰۱	باب استعمال مشک و اینکه خوشبوترین عطرهاست و کراهیت پس دادن ریح و عطر
۵۰۵	کتاب شعر
۵۰۵	باب سرودن شعر و بیان شاعرانه ترین کلمات و مذمت شعر
۵۱۰	مسأله وحدت وجود:
۵۱۸	باب تحریم بازی نردشیر
۵۲۰	حکم بازی‌ها در شریعت:
۵۲۳	کتاب خواب
۵۲۳	باب در اینکه رؤیای صالح از جانب خدا و جزئی از نبوت است

- ۵۳۹..... باب قول رسول خدا ﷺ: «کسی که مرا در خواب دید مرا دیده است.»
- ۵۴۴..... باب، از بازی شیطان با نفس خود در خواب خبر ندهد
- ۵۴۶..... باب در تأویل رویا
- ۵۵۱..... باب خواب رسول خدا ﷺ
- ۵۶۳..... **کتاب فضایل**
- ۵۶۳..... باب فضیلت نسب رسول خدا ﷺ و سلام کردن سنگی بر ایشان قبل از نبوت
- ۵۶۵..... باب فضیلت رسول خدا ﷺ بر تمامی مخلوق
- ۵۶۶..... باب در مورد معجزات رسول خدا ﷺ
- ۵۷۸..... باب توکل رسول خدا ﷺ بر خدای متعال و حفظ خدای متعال از ایشان در مقابل دیگران
- ۵۸۲..... باب بیان نمونه‌ای از آنچه رسول خدا ﷺ از هدایت و علم مبعوث گردیده است
- ۵۸۴..... باب شفقت رسول خدا ﷺ بر امتش و تلاش بیش از حد در بیم دادن آنان نسبت
- ۵۸۸..... باب ذکر خاتم النبیین بودن رسول خدا ﷺ
- ۵۹۱..... باب، وقتی خدای متعال قصد رحمت بر امتی بنماید پیامبرشان را قبل از آن‌ها می‌گیرد
- ۵۹۱..... باب اثبات حوض رسول خدا ﷺ و صفات آن
- ۶۱۴..... باب در دفاع جبرئیل و میکائیل از رسول خدا ﷺ روز جنگ احد
- ۶۱۴..... باب شجاعت رسول خدا ﷺ و پیشگامی ایشان در جنگ
- ۶۱۷..... باب، رسول خدا ﷺ سخاوتمندترین انسان‌ها در خیر بود نسبت به او و زنده
- ۶۱۸..... باب، رسول خدا ﷺ خوش اخلاق‌ترین مردمان بود
- ۶۲۲..... باب، از رسول خدا ﷺ هر گز چیزی خواسته نشد که بگوید نه و عطا می‌کرد بسیار بود
- ۶۲۷..... باب شفقت رسول خدا ﷺ به کودکان و همسران و تواضع ایشان و فضیلت این بریان
- ۶۳۲..... باب کثرت حیای رسول خدا ﷺ
- ۶۳۴..... باب تبسم و حسن معاشرت رسول خدا ﷺ
- ۶۳۵..... باب محبت رسول خدا ﷺ نسبت به زنان و دستور دادن آن که شترها را می‌راند به نرمی با زنان
- ۶۳۹..... باب نزدیکی رسول خدا ﷺ به مردم و تبرک آنان به ایشان
- ۶۴۰..... باب دوری رسول خدا ﷺ از گناهان و اینکه در مورد امور مباح آسان‌ترین آن‌ها را بر می‌گزید
- ۶۴۳..... باب، بوی خوش رسول خدا ﷺ و نرمی کف دست‌شان و تبرک جستن از دست زدن به ایشان
- ۶۴۵..... باب خوشبویی عرق رسول خدا ﷺ و تبرک جستن به آن
- ۶۴۸..... باب عرق رسول خدا ﷺ در سردی و هنگامی که وحی به سراغ ایشان می‌آمد
- ۶۵۱..... باب رها کردن موها بر پیشانی یا فرق سر باز کردن رسول خدا ﷺ

- باب در صفت رسول خدا ﷺ و اینکه ایشان در بین مردم، خوش چهره بود ۶۵۲
- باب صفت موی رسول خدا ﷺ ۶۵۷
- باب بیان صفت دهان رسول خدا ﷺ و دو چشم ایشان و گوشت پشت ایشان ۶۵۸
- باب، رسول خدا ﷺ پوست سفیدی داشت و چهره‌ای نمکین ۶۵۹
- باب پیری رسول خدا ﷺ ۶۵۹
- باب اثبات مهر نبوت و صفت آن و محل آن در جسد رسول خدا ﷺ ۶۶۴
- باب در صفت رسول خدا ﷺ و مبعث و سن ایشان ۶۶۹
- باب، سن رسول خدا ﷺ در روز وفات ۶۷۲
- باب، چه میزان رسول خدا ﷺ در مکه و مدینه اقامت گزید ۶۷۳
- باب در اسماء رسول خدا ﷺ ۶۷۶
- باب علم رسول خدا ﷺ به خدای متعال و شدت خشیت ایشان ۶۸۰
- باب وجوب پیروی از رسول خدا ﷺ ۶۸۲
- باب احترام به رسول خدا ﷺ و در سوال‌های بسیار غیر ضروری و امورات نامربوط ۶۸۹
- باب وجوب فرمان بردن از آنچه رسول خدا ﷺ شرعاً بیان کرده نه مواردی که ۶۹۹
- باب فضیلت نگاه به رسول خدا ﷺ و آرزوی آن را داشتن ۷۰۳

مقدمه مترجم

الحمد لله الذي أرسل رسوله بالهدى ودين الحق، نسأله جل شأنه أن يهدينا صراطه المستقيم، ويحمينا من مضلات الفتن، وموبقات الملحدين، وأصلي وأسلم على من أرسله الله رحمة للعالمين، هدى وذكرى للمؤمنين، وحلمته وصحبه الذين جاهدوا في الله حق الجهاد، فبلغوا الرسالة إلى كافة العباد، وفازوا بالعرز والسعادة في الدنيا والآخرة، وبعد:

لطف پروردگار عالمی بارگش را شکر شامل حال این حقیر شد و ترجمه‌ی جلد چهارم از کتاب گرانسنگ «تکمله فتح الملهم» هم به بیان رسید. کتاب، تحقیق و پژوهش رادمرد عرصه‌ی علم و تقوا است که خداوند متعال او را سر علم منتلف نصرت کرده تا توانسته در بیان موضوع به صورتی عالی و کم‌نظیر، حق مطلب را ادا کند. اکنون فرصت تلمذ در خدمت شیخ الاسلام مولانا مفتی محمد تقی عثمانی - حفظه الله تعالی - را نیافته‌ام اما به قول استادام مولانا عبدالله موحی - حفظه الله تعالی - استفاده از کتب ایشان، ما را به شاگردی و تلمذ مفتخر نموده است. امیدوارم خداوند بر توفیقات این مرد بزرگ بیفزاید و به شاگردان بی‌شمار ایشان در اقصی نقاط عالم حضور دارند توفیق دهد راه استاد خویش را ادامه دهند و همچون استاد، غرض بسیاری از محافل دینی باشند.

عنایت الهی در ترجمه‌ی این اثر، در شرایطی نصیب شده بود که مدرس در حوزه و خدمات امامت مسجد با امورات فرهنگی سطح شهر و نیم‌نگاهی به درس دانشگاه در مقطع دکتری با مشغله‌های شورای حل اختلاف و غیره، همگی دست به دست هم داده بودند تا کار ترجمه با سرعت کمتری انجام گیرد. از این جهت، حدود نصفی از جلد سوم و کل جلد چهارم و قسمت اعظم جلد پنجم را به صورت فایل صوتی تهیه کردم و از سه تاییست محترم جهت تایپ، استفاده نمودم. این روش ترجمه، که برای این حقیر زود بازده اما تازه و جدید بود، قطعاً مشکلاتی به بار آورد. از هر گونه ایراد احتمالی که نشان از نقص بشری و شخصی این حقیر است به خدای خود پناه می‌برم و از

روع کند؛ مگر اینکه صاحب خانه، حضور داشته باشد؛ در این صورت، مستحب است که او، هر سه آغاز نماید تا دیگران را نیز به خوردن ترغیب دهد. اما از همه دیرتر، دست از غذا بکشد؛ تا مایل به کم خوردن دیگران، وانمود نگردهد.^۱

«كَانَهَا تَدْفَعُ» یعنی گویا کسی دنبالش بود چون به سرعت می آمد.

«فَذَهَبَتْ لِتَضَعَ يَدَهَا فِي الطَّعَامِ» یعنی قبل از اینکه بسم الله بگوید قصد شروع کردن غذا را داشت؛

ن اعرابی نیز چنین کرد. از این جهت رسول خدا ﷺ دست هر دوی آن ها را گرفت تا ابتدا «بسم الله» بگویند و بعد غذا را شروع کنند.

«إِنَّ الشَّيْطَانَ يَسْتَحِلُّ الطَّعَامَ» یعنی آن را برای خود، همچون لقمه ای حلال تصور می کند. او می تواند

وقتی نام خدا بر غنایی رده نشده باشد از آن تناول نماید. علامه قرطبی می نویسد: «در مورد خوردن

شیطان از غذا، روایات متعددی وجود دارد که بسیاری از سلف، آن را بر حقیقتش حمل کرده اند؛

هرچند عقل آن را نمی پذیرد. شیاطین، هرچند اجسام لطیفی هستند اما بعید نیست که آن ها نیز از

طوبت های غذا و بوهای آن استعاده کنند. گفته می شود آن ها طعام خاصی از وسایل نجس و پلید

دارند و مشارکت آنان با انسان ها بنا بر آنچه آثار نشان داده بوی و پس افکنده ی غذا است. البته این

در صورتی است که نام خدا بر غذا برده نشود. در صورتی که سر ظرف غذا، گذاشته نشده یا شخص،

با دست چپ غذا بخورد نیز چنین است. گفته شده است: این استعاره ای است از همراهی شیطان در

آنچه از بین برنده ی برکت است؛ زیرا نبرد نام خدا بر غذا، مخالفت با سنت رسول خدا ﷺ می باشد.

نیز گفته شده است: روش خوردن آن ها، بوییدن است؛ زیرا جایی بدن و بلعیدن، برای حیواناتی است

که معده و دستگاه گوارشی دارند. در روایات، آمده که برخی از شیاطین، جسم و حیات دارند و

بعضی ها نیز در خانه ها زندگی می کنند و عدم توانایی در بهره بردن از غذای انسان وقتی است که به

شکل اصلی خود باشند یا آنکه خداوند آنان را به خلقت اصلی شان برگرداند. وهب بن منبه گفته

است: شیاطین جنس های مختلفی دارند؛ اصل جنیان، غذا نمی خورند و چیزی نمی نوشند و ازدواج

نمی کنند و همچون باد هستند؛ اما جنسی از آن ها هست که چیزی می خورد و می نوشد و ازدواج

می کند و زاد و ولد دارد.

«إِنَّ يَدَهُ فِي يَدِي مَعَ يَدِهِ» ابوداود روایت کرده است: «مع یدهما» او به صورت تشبیه آورده است؛

اما روایت مفرد، صحیح می باشد. ضمیر مؤنث، راجع به آن کنیز است و باقی ماندن دست کنیز،

منافاتی با گرفتن دست آن اعرابی ندارد؛ مراد آن است که دست شیطان، به دست رسول خدا ﷺ با

دست آن کنیز و آن اعرابی بادیه نشین همراه شد.

۵۲۱۹/...- (...) وَحَدَّثَنَا إِسْحَاقُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْحَنْظَلِيُّ، أَخْبَرَنَا عَيْسَى بْنُ يُونُسَ، أَخْبَرَنَا الْأَعْمَشُ، عَنْ خَيْثَمَةَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، عَنْ أَبِي حُذَيْفَةَ الْأَرْحَمِيِّ، عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ الْيَمَانِ، قَالَ: كُنَّا إِذَا دُعِينَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ إِلَى طَعَامٍ، فَذَكَرَ بِمَعْنَى حَدِيثِ أَبِي مُعَاوِيَةَ، وَقَالَ: «كَأَنَّمَا يُطْرَدُ»، وَفِي الْجَارِيَةِ «كَأَنَّمَا تُطْرَدُ»، وَقَدَّمَ مَجِيءَ الْأَعْرَابِيِّ فِي حَدِيثِهِ قَبْلَ مَجِيءِ الْجَارِيَةِ، وَزَادَ فِي آخِرِ الْحَدِيثِ: «ثُمَّ ذَكَرَ اسْمَ اللَّهِ وَاللَّهُ وَكَأَنَّ».

۵۲۱۹/...- (...) حذیفه بن یمان گفته است: وقتی با رسول خدا ﷺ به غذایی دعوت می شدیم. او هم معنی حدیث ابو معاویه را نقل کرده و گفته است: «گویا که رانده می شد.» در مورد کنیز گفته است: «گویا دنبال می شد.» ابتدا آمدن آن اعرابی را گفته و سپس آمدن کنیز را و در آخر حدیث گفته است: «نام خدا را برد و خورد».

شرح و بیان حدیث:

«وَقَدَّمَ مَجِيءَ الْأَعْرَابِيِّ» اما زوری گفته است: «در روش جمع بین این دو روایت، مراد از اینکه گفته است: «قدم مجیئ الأعرابی» در روایت اول، حرف ترتیب به صراحت به کار رفته است. البته در این روایت، حرف واو به در در ته که صرفاً معنای آمدن هر دو را می دهد؛ ولی روایت اول، ترتیب را به صراحت مطرح کرده است.»

مقصود از حدیث آن است که در ابتدای غذا «بسم الله» گفته شود؛ این به اجماع علما، مستحب می باشد. یعنی بنده، اعتراف می کند که این غذا را خداوند متعال به فضل خویش، روزیش کرده و اگر روزی پروردگار نمی بود آن شخص، توان حاصل کردنش را نداشت. با این کار فرد، تمام غذا خوردنش نیز برایش طاعت و عبادت به حساب می آید؛ در حقیقت سببی است تا ارتباط او با خداوند متعال، مستحکم گردد.

علما گفته اند: مستحب است که بسم الله را تا حدی بلند بگویند که اشرافانش بشنوند و متوجه باشند. اگر بسم الله را در اول غذا ترک کرد و در بین غذا به یاد آورد، مستحب است که چنین بگوید: «بسم الله اوله و آخره» «نام خدا را در اول و آخر این غذا بر زبان می رانم». ابوداود و ترمذی از رسول خدا ﷺ نقل کرده و حکم بسم الله را به صورت عمومی برای هر نوع خوردنی و نوشیدنی ذکر کرده اند؛ چه شخص، در حالت عادی باشد یا اینکه به حالت جنابت یا خانمی در حالت حیض به سر ببرد. لذا مناسب است که هر یک از خورندگان، نام خدا را بر زبان آورند. البته اگر در جمعی یک نفر نام خدا را برد، اصل سنت ادا می شود؛ امام شافعی رحمه الله چنین نظری دارد.^۱

۵۲۲۰/...- (...) وَحَدَّثَنِي أَبُو بَكْرِ بْنُ نَافِعٍ، حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ، حَدَّثَنَا سُفْيَانُ، عَنِ الْأَعْمَشِ بِهَذَا الْإِسْنَادِ، وَقَدَّمَ مَجِيءَ الْجَارِيَةِ قَبْلَ مَجِيءِ الْأَعْرَابِيِّ.

۵۲۲۰/...- (...) اعمش با این اسناد روایت کرده و آمدن کنیز را قبل از آمدن اعرابی آورده است.

۵۲۲۱/۱۰۳- (۲۰۱۸) وَحَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْمُثَنَّى الْعَنْزِيُّ، حَدَّثَنَا الضَّحَّاكُ يَعْنِي أَبَا عَاصِمٍ، عَنِ ابْنِ جُرَيْجٍ، أَخْبَرَنِي أَبُو الزُّبَيْرِ، عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، أَنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ ﷺ يَقُولُ: «إِذَا دَخَلَ الرَّجُلُ بَيْتَهُ، فَذَكَرَ اللَّهَ عِنْدَ دُخُولِهِ وَعِنْدَ طَعَامِهِ، قَالَ الشَّيْطَانُ: لَا مَبِيتَ لَكُمْ، وَلَا عِشَاءَ، وَإِذَا دَخَلَ، فَلَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ عِنْدَ دُخُولِهِ، قَالَ الشَّيْطَانُ: أَذْرَكُكُمْ الْمَبِيتَ، وَإِذَا لَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ عِنْدَ طَعَامِهِ، قَالَ: أَذْرَكُكُمْ الْمَبِيتَ وَالْعِشَاءَ».

۵۲۲۱/۱۰۳- (۲۰۱۸) جابر بن عبدالله رضی الله عنه روایت کرده که شنیده است: رسول خدا ﷺ می فرمود: «وقتی فردی وارد خانه اش سود و با وارد شدنش، بسم الله بگوید و وقت غذا خوردنش نیز بسم الله بگوید؛ شیطان به اطرافیانش می گوید: امر بر برای شما نه جای ماندن و نه غذایی باقی مانده است. اما وقتی، وارد خانه شد و با وارد شدنش، خدا را یاد نکرد؛ شیطان می گوید: امروز محل استراحتی را دریافتید و آنگاه که نام خدا را در موقع غذا خوردن بر زبان نیاورد به اطراف خود می گوید: امروز، هم محل استراحت و هم غذای خوبی را دریافتید.»

شرح و بیان حدیث:

«قَالَ الشَّيْطَانُ» یعنی به اطرافیان و دوستان خود می گوید: نمی توانید در اینجا بیتوته کنید و یا غذایی در این مکان داشته باشید. این برکت، استفاد از نام خداست.

۵۲۲۲/...- (...) (جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، يَقُولُ: إِنَّهُ سَمِعَ النَّبِيَّ ﷺ يَقُولُ: «إِذَا دَخَلَ الرَّجُلُ بَيْتَهُ، فَذَكَرَ اللَّهَ عِنْدَ دُخُولِهِ، وَإِنْ لَمْ يَذْكُرِ اللَّهَ عِنْدَ طَعَامِهِ، وَإِنْ لَمْ يَذْكُرِ اسْمَ اللَّهِ عِنْدَ دُخُولِهِ».

۵۲۲۲/...- (...) جابر بن عبدالله رضی الله عنه می گوید: شنیده است که رسول خدا ﷺ می فرمود. او هم مثل حدیث ابوعاصم را روایت کرده است؛ به جز اینکه گفته است: پیامبر خدا ﷺ فرمود: «اگر نام خدا را در هنگام غذا خوردنش ذکر نکند و اگر اسم خدا را در هنگام وارد شدنش نبرد.»

۵۲۲۳/۱۰۴- (۲۰۱۹) حَدَّثَنَا قُتَيْبَةُ بْنُ سَعِيدٍ، حَدَّثَنَا لَيْثٌ، حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ رُمْحٍ، أَخْبَرَنَا اللَّيْثُ، عَنْ أَبِي الزُّبَيْرِ، عَنْ جَابِرٍ، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: «لَا تَأْكُلُوا بِالشَّمَالِ، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَأْكُلُ بِالشَّمَالِ».

۱- «و عن جابر بن عبدالله» این حدیث را ابوداود در الاطعمه باب التسمیه الی الطعام: ۳۷۶۵ و ابن ماجه در ابواب الدعاء، باب ما يدعوا بهذا دخل بيته: ۳۹۳۳ روایت کرده اند.

۲- «عن جابر» این حدیث را صحیح مسلم در اللباس باب النهی عن اشتغال السماع روایت کرده و ابن ماجه در الاطعمه: ۳۳۱۰ روایت کرده است. سایر کتب حدیث آنرا روایت نکرده اند. این اثر در جامع الاصول آن را فقط به صحیح مسلم نسبت داده است.

۵۲۲۳/۱۰۴- (۲۰۱۹) جابر رضی الله عنه از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: «با دست چپ، غذا نخورید که

شیطان با دست چپ غذا می خورد.»

شرح و بیان حدیث:

«لَا تَأْكُلُوا بِالشَّمَالِ» علامه عینی در عمدة القاری می نویسد: «شیخ ما علامه زین الدین عراقی گفته است: خوردن از جلو و خوردن با دست راست را اکثر علمای ما مستحب دانسته و غزالی و نووی به آن تصریح کرده اند. امام شافعی در «الام» به وجوبش معتقد است و قرطبی پنداشته است که خوردن با دست راست، مستحب است. حافظ در فتح الباری به وجوب آن در احادیث مسلم بنا بر وعیدی که در خوردن با دست چپ است ترجیح داده است.» ابی رضی الله عنه می نویسد: «نهی، برای تحریم است؛ زیرا در آن ش فرمود: «نخواهی توانست». در کتب احناف، حکم خوردن با دست چپ را نیافتم اما ظاهر آن است که مکروه تحریمی است.»

قاضی عیاض گفته است: «نهی از خوردن با دست چپ و امر به خوردن با دست راست از این جهت است که در احادیث علامه رسول خدا صلی الله علیه و آله به استفاده از راست در هر چیزی آمده است؛ زیرا لفظ یمین را به کار برده و ثناء و ثناء سبحانه و تعالی، بر اصحاب یمین، این است که نامه اعمالشان را به دست راستشان می دهد. نیز دست راست رحمان، ذکر شده و اینکه سمت راست عرش ذکر شده و اینکه یمین، به معنی قدرت است؛ رب ما نیز هر چیز خیری را بر سمت راست نسبت می دهند؛ برخلاف سمت چپ. در شرح ابی چنین آمده است:

«فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَأْكُلُ بِالشَّمَالِ» علامه طیبی آن را بر این حمل کرده که شیطان، دوستان خود را به خوردن با دست چپ امر می کند. شاید حدیث به این خطاب تفسیر شده باشد؛ زیرا بعید است که شیطان، خود به دست خویش بخورد. حافظ در فتح الباری چنین آورده و گفته است: «در اینجا ظاهرش را تغییر داده ولی اولی آن است که حمل بر ظاهرش شود. شیطان، حقیقتاً می خورد؛ زیرا عقل آن را محال نمی شمارد و در خبر صحیح ثابت است لذا نیازی به ما ندارد.»

۵۲۴۴/۱۰۵- (۲۰۲۰) حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ، وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ نُمَيْرٍ، وَ زُهَيْرُ بْنُ حَرْبٍ، وَ ابْنُ أَبِي عُمَرَ، وَ اللَّفْظُ لِابْنِ نُمَيْرٍ، قَالُوا: حَدَّثَنَا سُفْيَانُ، عَنْ الزُّهْرِيِّ، عَنْ أَبِي بَكْرٍ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ، عَنْ جَدِّهِ ابْنِ عُمَرَ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: «إِذَا أَكَلْتَ أَحَدَكُمْ فَلْيَأْكُلْ بِيَمِينِهِ، وَإِذَا شَرِبَ فَلْيَشْرَبْ بِيَمِينِهِ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَأْكُلُ بِشِمَالِهِ، وَ يَشْرَبُ بِشِمَالِهِ.»

۱- فتح الباری: ۵۲۲/۹.

۲- «ان جده ابن عمر» این حدیث را ابوداود در الاطعمه باب الاكل باليمين: ۳۷۷۶ و ترمذی در الاطعمه باب ما جاء فی النهی عن الاكل و

الشرب بالشمال: ۱۷۹۹-۱۸۰۰ روایت کرده است.